

فصل سوم

شناخت و تدوین هدفهای آموزشی

Recognize and formulate educational purpose

تا فرد نداند مقصدش کجاست هرگز نمی تواند به گزینش بهترین راه رسیدن به آن بپردازد.

هدف : وسیله ای است که به فعالیت فرد جهت میدهد و دارای دو ویژگی توالی و پیش بینی است.

ضرورت تعیین و تنظیم هدف های آموزشی:

اگر هدف های آموزشی دقیق و روشن بیان نشوند هیچ مبنای معتبری برای طراحی و انتخاب مواد و وسایل ، محتوا و روشهای آموزشی وجود نخواهد داشت و فعالیت های آموزشی و آزمون های گمراه کننده و عاری از آگاه کنندگی می شوند.

منابع تعیین هدف های آموزشی:

۱. نیاز فراگیران ۲. نیاز جامعه ۳. دیدگاههای متخصصان

طبقه بندی هدف های آموزشی:

هدف های صریح آموزشی در سه حیطه طبقه بندی می شوند :

۱. حیطه شناختی:

۱) دانش ۲) فهمیدن (ترجمه-تفسیر-برون یابی) ۳) به کار بستن ۴) تحلیل ۵) ترکیب ۶) ارزشیابی و قضاوت
۲. حیطه عاطفی:

۱) دریافت و توجه کردن ۲) پاسخ دادن ۳) ارزشگذاری ۴) سازماندهی ارزش ها ۵) تبلور ارزش های سازمانی
۳. حیطه روانی - حرکتی:

۱) مشاهده و تقلید ۲) اجرای عمل بدون کمک ۳) دقت در عمل ۴) هماهنگی حرکات ۵) عادی شدن عمل

صاحب نظران:

در این زمینه صاحب نظران به نامی را می توان نام برد: مانند جان دیویی :

هدف به منزله روشی است برای دگرگون ساختن موقعیت موجود، هدف شایسته هدفی است که با توجه به اوضاع و احوال موجود اتخاذ شود و هدف ،مرحله نهایی یک سلسله فعالیت مستمر است.

اصول جان دیویی در تعیین هدف های آموزشی:

۱. هر یک از مراحل فعالیت تا زمانی که طی نشده اند هدف هستند و از لحاظ آینده وسیله خواهند بود.
۲. اگرچه هدف هر فعالیت آموزشی بیش از شروع آن تعیین می شود نباید تغییر ناپذیر و غیر قابل انعطاف باشد.
۳. هدف باید فرد را به فعالیت برانگیزد و به فعالیت او جهت دهد.
۴. هدف تربیتی باید به اوضاع و احوال محیط شخص موافق باشد تا حاصل آن میسر شود.
۵. هدف های تربیتی باید عینی و قابل تصور و تحقق باشند

ضرورت تعیین و تنظیم هدف های آموزشی در فرآیند تدریس - یادگیری:

اگر در فعالیت های آموزشی درون مدرسه، هدف ها به صورت مشخص و مرتب در ذهن معلم و شاگرد جا نیفتاده باشد فعالیت های آموزشی، به ویژه سنجش ها و آزمونها در بهترین شکل خود گمراه کننده و عاری از آگاه کنندگی خواهد بود، علاوه بر این اگر هدف های آموزشی دقیق و روشن بیان نشوند هیچ مبنای معتبری برای طراحی و انتخاب مواد و وسایل، محتوا و روش های آموزشی وجود نخواهد داشت.

منابع تعیین هدف های آموزشی

از نظر فیلسوفان تربیتی منبع اصلی تعیین هدفهای آموزشی فلسفه آموزش و پرورش است و گروهی نیز براین باورند که امر تعلیم و تربیت مستقل از سیاست نمی تواند باشد. پس نگرشهای سیاسی - اجتماعی را منبع تعیین هدفهای آموزشی میدانند.

پس می توان نتیجه گرفت که هدفهای آپ هر جامعه براساس جهان بینی آن جامعه تایین می شود زیرا آپ هر جامعه از فرهنگ و باورهای اجتماعی نشات گرفته است و تحت تاثیر ارزشها و قضاوتهای سیاسی - اجتماعی قرار دارد. پس هدفهای آموزشی نمی تواند خارج از ارزشها و باور اجتماعی و نیازهای آن جامعه تعیین شود و بی تاثیر از عواملی همچون زمینه فرهنگی خانواده، علایق، گرایش ها، نیازها و مهارتهای قبلی فراگیران و موقعیت فیزیکی محیط های آموزشی و نگرش مربیان و... نیست.

منابع تعیین هدف های آموزشی عبارتند از:

۱. نیاز فراگیران (مازلو): نیاز فیزیولوژیک، نیاز به ایمنی، نیاز به محبت و نیاز به خود شکوفایی. این نیاز ها به ترتیب باید ارضا شوند تا نیاز های بالاتر فرصت خود نمایی و بروز داشته باشند.

۲. نیاز جامعه: هدف های تربیتی باید با توجه به احتیاجات و مشکلات اجتماعی تعیین شود. و بررسی وضع اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی جامعه در زمان گذشته حال آینده به ما در تعیین این نیازها کمک می کند و هدفهای آموزشی نباید با جهان بینی جامعه مغایرت داشته باشد
۳. دیدگاه های متخصصان: با وجود همه ضوابط هدفها پس از تعیین باید از تحلیل و آزمایش و غربال رد شوند و بهترین آنها انتخاب شده و هدفهای اضافی و کم اهمیت حذف شوند.

طبقه بندی و تحلیل هدفهای صریح آموزشی در حیطه یادگیری

منظور از طبقه بندی تعیین راهها و مراحل دقیق و مشخص است که بعد از تحقق آنها تغییرات لازم در تفکر ، احساسات و مهارتهای عملی شاگردان به وجود آید.

در تعیین هدفهای آموزشی لازم است حیطه های یادگیری مشخص شود.

یادگیری معمولا در سه حیطه شناختی، عاطفی ، روانی - حرکتی اتفاق می افتد (طبقه بندی بلوم)

این دسته بندی به دلیل تاکید بر جنبه های خاص هدفهای مختلف است و نه متمایز کردن آنها زیرا سه حیطه مشخص شده مجزا و نامربوط نیستند.

مثال: هر معلم شایسته ای سعی میکند در شاگردان علاقه ایجاد کند (هدف عاطفی) تا آنان موضوعات درسی را یاد بگیرند (هدف شناختی) در مواقعی معلم سعی می کند با در اختیار گذاشتن معلومات و اطلاعات خاص (هدف شناختی) گرایش شاگردان را تغییر دهد (هدف عاطفی)

سطوح یادگیری در حیطه شناختی بلوم:

- این سطوح باید به ترتیب اتفاق بیافتد تا راهی برای رفتن به سطح بعد باز شود.
۱. دانش (ساده ترین سطح شناخت): همان یادآوری و باز شناسی است و صرفا جنبه حفظی دارد. مثلا شاگرد بدون حفظ جدول ضرب تمارین مذبوط را نمی تواند حل کند.
۲. فهمیدن: توانایی پی بردن به مفهوم یک مطلب و توضیح آن با جملاتی که شخص خودش می سازد بی آنکه ارتباطی بین این مطلب و مطالب دیگر برقرار کند که به چند دسته فرعی تقسیم می شود.
- الف) ترجمه: برگرداندن مطالب از شکلی به شکل دیگر بی آنکه معنی و محتوای آن دگرگون شود مثل ترجمه شعر
- ب) تفسیر: تشخیص نکات اساسی و جدا کردن آن از قسمتهای کم اهمیت تر مثل استنباط مفاهیم از یک قطعه شعر.

ج) برون یابی: مهارت در تعلیم دادن یا بکارگیری اطلاعات در طول زمان به منظور پیش بینی نتایج خاص مثل بسط دادن یک متن سیاسی به ورای آنچه در متن آمده

۳. **بکار بستن:** توانایی کاربرد اصول علمی، فرضیه ها و قضایا و دیگر مفاهیم انتزاعی در وضعیت و موقعیت مناسب بدون اینکه هیچ راه حلی ارائه شود. مثل: شاگردی که می تواند اصول و قوانین مثلثات را در موقعیت علمی جدید بکار برد

۴. **تحلیل:** شکستن مطلب به اجزا تشکیل دهنده آن و یافتن روابط بین اجزا و نحوه سازمان یافتن آن مثل شاگردی که بتواند یک جمله ادبی را از نظر دستوری تجزیه و نقش و روابط کلمات را تشخیص داده و جمله را سازماندهی کند.

۵. **ترکیب:** در هم آمیختن دوباره قسمت هایی از تجارب گذشته با مطالب جدید و بازسازی آن به بصورت یک کل تازه و نسبتا انسجام یافته مثل: طراحی طرح آموزشی مناسب در یک موقعیت ویژه در درس روشها و فنون تدریس توسط دانشجو.

۶. **ارزشیابی و قضاوت** (پیچیده ترین سطح شناخت): این سطح شامل قضاوت در باره امور، اطلاعات و حتی روشهای روبرو شدن با مسائل است. در واقع ارزشیابی نتیجه جریان شناخت است مثل: دانشجویی که بتواند دو قطعه ادبی را از نظر نگارش با هم مقایسه کند و یکی را با ذکر دلایل بر دیگری ترجیح دهد.

سطوح یادگیری در حیطه عاطفی:

هدف های حیطه عاطفی آن هدف های آموزشی هستند که با نگرش ها و عواطف و علائق و ارزش ها سر و کار دارند که به پنج سطح طبقه بندی می شوند: (از آسان به مشکل)

۱. دریافت و توجه کردن:

جلب و حفظ و هدایت توجه شاگرد نسبت به فعالیت آموزشی که نتیجه این سطح: از آگاهی ساده نسبت به موضوع شروع و تا توجه حساب شده نسبت به آن ادامه می یابد.

۲. پاسخ دادن:

نشان دادن واکنش در مورد مسئله مورد نظر که نتیجه این سطح: از پیروی و متقاعد شدن شروع و تا تمایل به پاسخ دادن و داوطلبانه اقدام کردن و سر انجام پاسخ دادن همراه با رضایت و علاقه پیش می رود.

۳. ارزش گذاری:

درونی کردن دسته معینی از ارزشها که نتیجه این سطح: از متعهد کردن شاگرد در برابر ارزش ها شروع و تا راهنمایی دیگران به قبول این ارزش ها و تشویق و ترغیب آنها برای پذیرفتن آن پیش می رود.

۴. سازماندهی ارزش ها:

ادغام ارزش های مختلف و رفع تعارضات بین آنها و بنا نهادن یک نظام ارزشی پایدار و منسجم که نتیجه این سطح: از ادغام ارزش های جدید پذیرفته شروع شده و تا تطبیق این ارزش ها با ارزش های درونی شده قبلی ادامه می یابد.

۵. تبلور ارزش های ساز مان یافته در شخصیت :

شاگرد دارای نظامی از ارزش ها می شود که رفتار وی را برای مدتی طولانی کنترل می کند و در نهایت به صورت نوعی شخصیت در وجود او پدیدار می شود. که نتیجه این سطح: مجموعه ای از ارزش ها در رفتار وی انعکاس دائم می یابد و جزء فلسفه زندگی وی و شخصیتش می شود.

سطوح یادگیری در حیطه روانی - حرکتی:

هدف های این حیطه بیشتر نیازمند همکاری اعصاب و ماهیچه هاست مثل رانندگی، خیاطی و...و بیشتر شامل مهارت های عملی در زمینه های فنی حرفه ای و تربیت بدنی و هنر و ... است.

سطوح یاد گیری حیطه روانی - حرکتی عبارتند از:

۱. مشاهده و تقلید:

شاگرد به مشاهده رفتار مربی می پردازد و سپس تقلید می کند و آن رفتار را انجام می دهد.

۲. اجرای عمل بدون کمک:

در این مرحله به اجرای آگاهانه تر عمل میرسیم و میزان وابستگی شاگرد به مربی بسیار ناچیز می شود ولی نظارت و هدایت او باید ادامه داشته باشد.

این سطح به سطح فرعی تقسیم می شود:

الف- اجرای آگاهانه دستور العمل ها

ب- انتخاب بهترین روشها

ج- اجرای مکرر عمل بدون کمک یا تثبیت

۳. دقت در عمل:

اجرای عمل با سرعت ودقت وظرافت بیشتر از مرحله قبل وکاهش اشتباهات مرحله قبل. نظارت و راهنمایی مربی وتمرین وتکرار در این مرحله نیز باید باشد.

۴. هماهنگی حرکات:

یعنی برقراری هماهنگی بین مجموعه ای از اعمال، با رعایت نظم وکارایی لازم.

۵. عادی شدن عمل:

بالاترین سطح مرحله یادگیری در حیطه روانی حرکتی است که در آن شاگرد به بطور خودکار به انجام دقیق کارهای دقیق و موزون عادت می کند